



• در آمد

دکتر سعید سهراب پور در سال ۱۳۲۲ در تهران متولد شد. در سال ۱۳۴۰ از دبیرستان البرز با کسب رتبه اول، دیپلم گرفت و در سال ۱۳۴۴ در رشته مهندسی مکانیک دانشکده فنی دانشگاه تهران، با رتبه نخست لیسانس گرفت و به همین دلیل از سوی دولت برای ادامه تحصیلات تکمیلی در آمریکا بورسیه شد. وی دوره کارشناسی ارشد و دکترای مهندسی مکانیک خود را از دانشگاه برکلی کالیفرنیا دریافت کرد و سپس به ایران بازگشت و در سال ۱۳۵۰ در دانشگاه شیراز به تدریس پرداخت و سپس در موقعیت‌های دیگری در مراکز دانشگاهی و ارگان‌های اجرایی کشور و فرهنگستان علوم قبول مسئولیت می‌کند. آنچه در پی می‌آید بیانگر وجوه ناشناخته دیگری از ابعاد وجودی شهید چمران است که در گفت‌وگوی ایشان با شاهد یاران مطرح می‌شود.

■ گفت و گو با دکتر سعید سهراب پور، هم دانشگاهی و همراه شهید مصطفی چمران

## ابعاد ناشناخته مجاهدی پاکباز ...

دیگری را سراغ داشتید که چنین بحث‌هایی آنجا مطرح باشد؟  
خیر.

از منابع آن تحقیق چیزی در خاطر تان مانده است؟  
شهید چمران کتاب مرحوم علامه نائینی را با یک مقدمه فارسی به ما دادند؛ تعداد دیگری کتاب هم از کتابخانه خودشان دادند که اسم آنها در خاطر من مانده است. یک کتاب دیگر هم آنجا پیدا کردم که عنوانش «حکومت اسلامی» بود و به زبان فارسی نوشته شده بود.

ظاهراً حضرت امام (ره) هم بحث ولایت فقیه را در نجف در سال ۴۷ شروع کردند که ریشه مسئله و حکومت اسلامی است. شهید چمران می‌گفتند: اسلام مکتب واسطه و ایده‌آل است و اشکالات حکومت‌ها و مکاتب دیگر را ندارد. در دهه بیست بحث مکتب واسطه را اندیشمندان مسلمان ایرانی، کسانی مثل «مامقانی» و بعدها مهندس آشتیانی مطرح کردند.

ما آن زمان خیلی کنجکاو بودیم که بدانیم حکومت اسلامی چگونه است و بالاخره با اطلاعات آن زمان و در آن فاصله دور، چیزهایی پیدا کردیم و جمع بندی ما هم همان بود که عرض کردم.

آیا این تحقیق در آنجا به چاپ رسید؟

خیر، اصلاً چاپ نشد، ولی یک کارگروهی دیگر انجام دادیم که باز هم شهید دکتر چمران خیلی به ما کمک کرد و چاپ شد.

موضوع آن تحقیق چه بود؟

موضوع آن «روحانیت و ۱۵ خرداد» بود که آقای محمد هاشمی آن را برای حضرت امام (ره) به نجف فرستاد و امام هم اصلاحاتی در آن کردند و تغییراتی در متن دادند و فرستادند برای چاپ. موقعی که کتاب چاپ شد، من در آمریکا بودم.

از ویژگی‌های بارز شهید چمران بفرمایید. به نظر شما چه

دست نیافتنی، به این موضوع علاقه داشتیم. خوب، یکی از مشکلات عمده در این راه، کمبود منابع تحقیق و «رفرنس» بود. شهید چمران یک تعداد از کتاب‌های خودشان را در اختیار ما گذاشتند. تعدادی هم از کتابخانه‌های آنجا گرفتیم و کار را شروع کردیم. در مرحله بعد، سه جلسه هم روی آن مباحث کار کردیم و بعد به جمع‌بندی رسیدیم.

به چه نتیجه‌ای رسیده بودید؟

حضرت امام (ره) هم بحث ولایت فقیه را در نجف در سال ۴۷ شروع کردند که ریشه مسئله و حکومت اسلامی است. شهید چمران می‌گفتند: اسلام مکتب واسطه و ایده‌آل است و اشکالات حکومت‌ها و مکاتب دیگر را ندارد. در دهه بیست بحث مکتب واسطه را اندیشمندان مسلمان ایرانی، کسانی مثل «مامقانی» و بعدها مهندس آشتیانی مطرح کردند.

جمع‌بندی ما این بود که حکومت اسلامی یک خلیفه دارد که با بیعت مردم انتخاب می‌شود و یک مجلس شورا هم بیشتر ندارد که بالاخره قوانین لازم را وضع می‌کند و خلیفه هم تعدادی وزیر دارد! این جمع‌بندی ما در سال ۴۶ از حکومت اسلامی بود که خیلی متفاوت است با آنچه که بعدها در ایران اتفاق افتاد، ولی آن موقع به عنوان یک آرمان دست نیافتنی و یک ایده‌آل این بحث‌ها را انجام می‌دادیم.

شکل آن چندان مهم نیست، اصل موضوع جالب است. اینکه در آن سال‌ها شهید چمران به حکومت اسلامی فکر کند و برایش طرح تحقیق بدهد، این مهم است. شما جای

فضای فرهنگی - اجتماعی آمریکا در آن سالها بخصوص در دانشگاه‌ها چگونه بود؟

آن زمان جو خاصی در آنجا وجود داشت. اکثر ایرانی‌هایی که آنجا بودند، به اصطلاح «چپ» بودند و ایدئولوژی چپ داشتند. تعداد مسلمان‌ها خیلی کم بود. البته دکتر چمران قبلاً انجمن اسلامی دانشجویان ایران را در آمریکا و کانادا فعال کرده بود و بعد هم که ما آنجا رفتیم، گروه فارسی زبان را فعال کردند.

اعضای انجمن اسلامی از افراد همه کشورها بودند؛ ما بیشتر به گروه فارسی زبان وابسته بودیم و در «برکلی» یک گروه ۱۵ یا ۲۳ نفره بودیم. بعضی از افرادی که آن سال‌ها آنجا بودند، الان هم در ایران هستند و مشغول خدمتند. یکی از دوستان عزیز ما که حالا شهید شده، مرحوم دکتر قندی، وزیر پست و تلگراف بود که در حادثه هفتم تیر شهید شدند. آیا آموزش‌های خاصی هم توسط اعضای انجمن به دانشجویان داده می‌شد؟

بله ما در آمریکا خیلی چیزها از دکتر چمران یاد گرفتیم. برای مثال کار گروهی را آموختیم. در زمینه ایدئولوژی، بحث و مناظره زیادی با گروه‌های چپ داشتیم و طبعاً نیاز داشتیم که ایدئولوژی اسلامی و ایدئولوژی چپ را بشناسیم. شهید چمران یک دوره کامل ایدئولوژی طرف مقابل را به ما آموزش دادند. ما مفهوم «ماتریالیسم دیالکتیک» را نمی‌دانستیم و از ایشان یاد گرفتیم. ایشان به ما فلسفه تاریخ و ایدئولوژی اسلامی را که برای بحث با گروه‌های سیاسی مخالف لازم داشتیم، آموزش دادند. درباره اقتصاد اسلامی با ما کار کردند و حتی یادم هست که مرا تشویق کردند در آنجا راجع به «حکومت اسلامی» یک کار تحقیقی انجام بدهم و سه سخنرانی هم در مورد حکومت اسلامی داشته باشم.

این تحقیق را در چه سالی انجام دادید؟

آن کار مربوط به سال ۴۶ بود. آن موقع ما هیچ ایده‌ای راجع به حکومت اسلامی نداشتیم. اما به عنوان یک آرمان و تئوری



**بعد از انقلاب، دکتر چمران یک روز به شیراز آمدند و در شاهچراغ سخنرانی کردند. آن موقع مردم اصلا دکتر را نمی‌شناختند؛ اما سخنرانی ایشان که تمام شد همه دور او جمع شدند، چون صحبت‌های وی خیلی برای مردم جالب بود.**

#### صفتی در شهید چمران جلوه بیشتری داشت؟

من اگر بخواهم بخشی از ویژگی‌های ایشان را ذکر کنم که از همه مهمتر و بارزتر بود، باید بگویم که شهید چمران یک شخصیت چندبعدی بود. ایشان به لحاظ علمی، انسان بسیار سطح بالایی بودند، بالاخره رتبه اول دانشکده فنی دانشگاه تهران بودند و در بهترین دانشگاه‌های دنیا تا درجه دکترا پیش رفته بودند و در یک شرکت مهم تحقیقاتی در آمریکا کار می‌کردند؛ از لحاظ عرفانی درجه خیلی بالایی داشتند. علاقه خاصی به حضرت علی (ع) داشتند و در سخنرانی‌هایشان بر این مسئله تاکید می‌کردند.

از لحاظ کار گروهی و روحیه کار با جوانها، حالی داشتند که همه را جذب می‌کردند. ورزشکار بودند، با وجود آنکه با ما اختلاف سنی داشتند، وقتی که به گردش می‌رفتیم، هر نوع بازی و ورزشی که می‌کردیم، حتی والیبال و کشتی، او هم می‌آمد و شرکت می‌کرد!

#### از جنبه‌های هنری، ایشان را چگونه دیدید؟

شهید چمران هنرمند بود. عکاس خوبی بود. یک دوربین «الایکا» داشت که با آن عکسهای خوبی می‌گرفت. آقای مهندس مهدی چمران گفتند که این دوربین را هنوز دارند و اینجاست. خطش خیلی خوب بود، نقاشی‌اش قشنگ بود، اینها جنبه‌های هنری و ذوقی ایشان بود. جنبه‌های دیگری مثل هنر نویسندگی هم داشت که در آثارش منعکس است. بعد هم می‌دانید که از ما جدا شدند و سال‌ها در لبنان و میدان‌های رزم بودند و صفات دیگری مثل شجاعت، بی‌باکی، مهندسی و سازماندهی امور نظامی، آنجا بیشتر نمودار شد. بنابراین باید بگویم شهید چمران جنبه‌های متعددی داشت و در تمام آن جنبه‌ها رشد کرده بود.

یک ویژگی مهم دیگر او، تواضع بسیارش بود. این صفت حتی در جنگ تحمیلی و آن رقابت‌ها و اختلاف‌هایی که بود خودش را نشان داد. با وجود اختلاف‌های زیادی که در قسمت‌های مختلف وجود داشت، اما می‌دیدیم که باز هم

همه او را دوست داشتند. لطفاً از مشاهدات و خاطرات خودتان هم از آن شهید عزیز بفرمایید.

در اواخر دوره دکترا و اقامت در آمریکا، یک روز دکتر چمران به من گفتند: من دارم به لبنان می‌روم، آنجا یک مدرسه صنعتی هست و قرار است آنجا را اداره کنم. آن زمان من در سوابق این کار نبودم و کمی جا خوردم که چرا لبنان؟! قبل از آن دکتر چمران همیشه می‌گفتند: من اینجا در آمریکا خیلی ناراحتم، چون سروکارم با این آمریکایی‌هاست و وقتی با آنها در مورد فلسطین بحث می‌کنم، اعصابم ناراحت می‌شود، چون اینها اصلاً موضوع فلسطین را درک نمی‌کنند و از این لحاظ خیلی ضعیف‌اند.

و باز می‌گفتند: حالا دخترم ۸ ساله شده و من صلاح نمی‌دانم که اینجا بمانم و می‌خواهم از آمریکا بروم. وقتی تصمیم قطعی گرفت، ما هم به هر حال یک مراسم خداحافظی برایش ترتیب دادیم و همه بچه‌ها جمع شدند آنجا و بعد دکتر چمران به لبنان رفت.

بعد از انقلاب، ایشان یک روز به شیراز آمدند و در شاهچراغ سخنرانی کردند. آن موقع مردم اصلاً دکتر چمران را نمی‌شناختند؛ اما سخنرانی ایشان که تمام شد همه دور او جمع شدند و خیلی برای مردم جالب بود. آقای دکتر چمران هم آنجا بودند و در خدمتشان بودیم. بعد آمدند منزل ما و یک مدت آنجا بودند.

یک موضوع جالبی هم آنجا اتفاق افتاد که برای آقای دکتر چمران گفته‌ام. دکتر چمران جزوه‌ای داشتند راجع به زن، آنجا بحث‌های مختلفی شده بود، مثل: زن در ماقبل تاریخ، زن در یونان و روم باستان، زن در مسیحیت، زن در اسلام و همینطور، زن در جوامع دیگر. در آن تحقیق، جداول و آمار و ارقام هم بود. به هر حال خیلی روی آن کار شده بود و با خط خودشان هم آن را نوشته بودند. من این جزوه را در شیراز دیدم و می‌خواستم آن را داشته باشم اما ایشان فرمودند: این را می‌برم تهران و بعداً برایت اصل یا کپی‌اش را می‌فرستم، اما فراموش کردند.

#### آن جزوه حالا باید در همین بنیاد باشد. همینطور است؟

بله، همینجاست. آقای دکتر چمران گفتند توی وسایل اینجاست.

#### آخرین ملاقات شما با شهید چمران چه سالی و در کجا بود؟

یکی از ناراحتی‌های من این است که بعد از آن ملاقات شیراز، دیگر ایشان را ندیدم. من در شیراز بودم و دکتر چمران در تهران بود و مسئولیت‌های زیادی داشتند. ناراحت‌کننده‌تر اینکه اواخر زمانی که ایشان مسئولیت ستاد جنگ‌های نامنظم را هم داشتند. یک روز برادر امام جمعه آبادان آقای جمی که در شیراز بودند، گفتند: یک ترتیبی بدهید که یک مقدار لوازم ببریم آبادان. گفتیم: خب ما آنجا می‌توانیم سر راه، دکتر چمران را هم ببینیم؟ گفتند: چرا که نه؟ می‌رویم اهواز، اول ایشان را می‌بینیم، بعد می‌رویم آبادان. به‌هرحال داشتیم آماده می‌شدیم که برویم، یک هفته قیصل از اینکه حرکت کنیم، خبر شهادت ایشان را همان آقای جمی به من دادند، خیلی ناراحت شدم که چرا اینطور شد؟ چرا پس از سالها که می‌خواستیم برویم و ایشان را ببینیم این اتفاق افتاد؟ به هر حال من بسیار به ایشان مدیونم.

او در هدایت و آموزش ما نقش اساسی داشت و تاثیر بسیار زیادی روی افکار من گذاشت که هنوز هم هست. حالا هم بعضی مواقع که بحث می‌کنیم، می‌گویم: طرز فکر من اینطور است. از دکتر چمران یاد گرفته‌ام و نمی‌توانم خودم را عوض کنم.

#### زمانی که در آمریکا تحصیل می‌کردید، چه نشریاتی را مطالعه می‌کردید، منظورم نشریات فارسی زبان است.

آنجا دو نشریه برای ما می‌آمد، یکی نشریه انجمن اسلامی اروپا و یکی هم نشریه آقای دکتر یزدی که در تگزاس بود. این نشریات خیلی مرتب چاپ می‌شد و می‌آمد، اما خود ما نشریات منظمی نداشتیم.

#### نشریه درس‌هایی از مکتب اسلام هم برای شما می‌آمد؟

بله، می‌آمد. مجله درس‌هایی از مکتب اسلام هم می‌آمد. ■

